

یورو و آینده اروپا

منبع: مجله اکونومیست
مترجم: سید حسین علوی لنگرودی

برنامه نجات یورو، می‌تواند آینده اتحادیه اروپا را تحت تأثیر قرار دهد.

اقدام در کوتاه مدت می‌تواند مؤثر باشد و آرامش نسبی را بر بازارهای اوراق قرضه و سرمایه‌گذاری اروپا حاکم کند و از وقوع ورشکستگی بانک‌ها و مؤسسات مالی بزرگ اروپایی جلوگیری نماید، اما قادر نیست مسایل بنیادین و مشکلات سنتی اروپا در ارتباط با ساختار متزلزل پولی و اعتباری کشورهای عضو، به ویژه اعضای جدید را به طور کامل حل کند.

آنچه بر پیچیدگی و ابهام این برنامه می‌افزاید، ناشی از نحوه تأمین مالی این کمک ۷۵۰ میلیارد یورویی است: ۶۰ میلیارد یورو از محل اوراق بهادار مشترک اتحادیه اروپا و ۴۴۰ میلیارد یورو از صندوق ضمانت اروپا و ۲۵۰ میلیارد یورو باقی‌مانده نیز توسط صندوق بین‌المللی پول (IMF). آنچه در این میان به نگرانی‌ها دامن می‌زند، فقدان شفافیت و فقدان اطلاعات کافی در مورد جزئیات برنامه کمک به یوروست. از یک سو، مشخص نیست که ضمانت‌ها در کشورهای عضو عملی شود و از سوی دیگر، تضمینی وجود ندارد که IMF، منابع مالی مورد نیاز برای پرداخت سهم خود از این برنامه را در اختیار داشته باشد.

شکاف عمیق

یکی از پرسش‌های بنیادین و کلیدی در مورد ماهیت یورو و پیوستگی مالی کشورهای اروپایی، به این واقعیت تلخ برای کشورهای ثروتمند اروپایی مربوط می‌شود که چرا در هنگام بروز بحران و تنگنای اقتصادی برای برخی از کشورها (که عمدتاً کشورهای کمتر ثروتمند و توسعه یافته اروپا هستند)

برنامه ۷۵۰ میلیارد یورویی اتحادیه اروپا برای دفاع از یورو، در شرایطی مملو از ابهام و بیم نسبت به آینده، در مرحله اجرا قرار گرفته است. هنگامی که رهبران کشورهای عضو اتحادیه اروپا در ماه می گرد هم آمدند و به تبادل نظر در مورد چالش‌های آینده یورو پرداختند، خیلی زود مشخص شد که گسترش بحران اوراق بهادار در کشورهای جنوبی اروپا و همزمان شدن آن با بحران اقتصاد جهانی، شرایط خطرناک و مهلکی را برای یورو رقم زده است، به نحوی که موجودیت این پول واحد اروپایی را به خطر انداخته و سیستم بانکی و بازارهای اعتباری کشورهای عضو را که همگی "یورویی" هستند، با تهدیدی جدی مواجه کرده است. سپس ادامه این بحران قاره‌ای که از یونان شروع شده بود، دامنگیر کشورهای دیگر چون پرتغال و اسپانیا شد و می‌رود تا دیگر کشورهای عضو اتحادیه را نیز آلوده سازد.

همین مسأله، رهبران اروپایی را به تکاپو انداخته تا تصمیمی عاجل در این زمینه اتخاذ نمایند که تصویب کمک ۷۵۰ میلیارد یورویی برای نجات پول واحد اروپایی، نمونه بارز این اقدامات به شمار می‌آید. به عقیده بسیاری از کارشناسان و صاحب‌نظران امور پولی و مالی، این اقدام، کاری عجولانه و اشتباه به نظر می‌رسد. بانک مرکزی اروپا به عنوان مرجع اصلی سیاست‌گذاری‌های مالی و اعتباری در اتحادیه اروپا، مجری این برنامه است و کوشیده تا با تزریق مقادیر عظیمی پول به بازار بحرانی اوراق قرضه کشورهای عضو، هزینه سرمایه‌گذاری در نظام‌های بانکی و بورس اروپایی را کاهش دهد. اگر چه این

چرا مالیات پردازان
آلمانی و انگلیسی
باید مالیات بیشتری
را پرداخت کنند تا
شهروندان یونانی
وضعیت بهتری
داشته باشند؟



سایر کشورهای عضو اتحادیه اروپا باید تاوان آن را بپردازند؟ به عبارت روشن‌تر، چرا مالیات پردازان آلمانی یا انگلیسی باید مالیات بیشتری را پرداخت کنند تا شهروندان یونانی وضعیت بهتری پیدا کنند، حال آنکه دولت‌های متبوع آنها به خاطر کاستن از کسری بودجه خود به شهروندان خودشان فشارهای متعددهزینه‌ای وارد می‌آورند و از آنها می‌خواهند تا بیشتر صرفه‌جویی کنند؟ عمیق‌تر و جدی‌تر شدن این پرسش اساسی در ذهن شهروندان اروپایی ممکن است به افزایش تخلفات مالیاتی و طفره رفتن شهروندان از پرداخت به موقع و کافی مالیات‌ها و در بلندمدت به سقوط و اضمحلال یورو و حتی اتحادیه اروپا منتهی گردد.

خطر متلاشی‌شدن اتحادیه اروپا و از میان رفتن پول



حال پرسش اینجاست که برای حل این معضل چه می‌توان کرد؟ چندی پیش، کمیسیون اروپا چند ایده و برنامه جامع را پیشنهاد کرد که شامل شفاف‌سازی و هماهنگ‌سازی بودجه نویسی ملی در سطح کشورهای عضو اتحادیه اروپا و الزامات مرتبط با برخورد با تخلفات اعضا می‌شود که در صورت اجرای درست، می‌تواند یورو و اتحادیه اروپا را از خطر متلاشی‌شدن و کشورهای عضو را از شر مسایلی چون کسری بودجه و ورشکستگی بازارهای سرمایه رهایی بخشد.

اقتصاد، زیرسایه سیاست

دشوارترین و پیچیده‌ترین بخش قضیه بحران یورو، نه



شورش‌های خیابانی در یونان، زنگ خطری بود برای کشورهایی که به منظور دریافت کمک از اتحادیه اروپا، به اجرای خواسته‌های اعضای قدرتمندتر اتحادیه تن می‌دهند.

در مسایل اقتصادی و پولی، بلکه در سیاست نهفته است. ساختار سیاسی نامتوازن اروپا و نقش آفرینی پررنگ چند کشور بزرگ و دارای حق رأی ویژه، موجب شده است تا تصمیم‌ها و برنامه‌هایی که به تصویب همه اعضا رسیده، به نحو مطلوب و کامل اجرا نشوند. رأی دهندگان آلمانی و فرانسوی بارها ثابت کرده‌اند که رهبران اهل بذل و بخشش به سایر کشورهای عضو اتحادیه اروپا را نخواهند بخشید و در انتخابات آینده به آنها و به حزب متبوعشان رأی نخواهند داد، به همین دلیل است که می‌بینیم آلمان و فرانسه در زمره کشورهایی قرار دارند که اعطای هرگونه کمک مالی به اعضای بحران زده اروپا را به رعایت یک سری مقررات تحمیلی بودجه نویسی و اقتصادی مشروط می‌کنند، مقرراتی که خودشان و به صورت خودسرانه تهیه و تدوین کرده‌اند.

وقوع شورش‌های خیابانی در کشوری چون یونان نشان داد که دولت‌های کشورهای اروپایی که به منظور دریافت کمک از اتحادیه اروپا به اجرای خواسته‌های اعضای قدرتمندتر تن در می‌دهند نیز با چالش‌هایی چون خیزش عمومی و به خطر افتادن مصالح ملی روبرو هستند و گاه مجبور می‌شوند عطای این کمک‌های مالی را به لقای آنها ببخشند.

به طور کلی، پس از گذشت چندین سال از موجودیت اتحادیه اروپا و پول واحد آن، شکاف‌های عمیق و گسترده‌ای که در لایه‌های مختلف این اتحادیه نهفته شده بود، سرباز کرده و در دوران وقوع بحران‌های مالی به اوج خود رسیده است و همین مسأله موجب شده است تا آینده سیاسی و اقتصادی این اتحاد قاره‌ای، در هاله‌ای از ابهام فرو رود.

واحد اروپا آن چنان جدی است که وزرای دارایی و بانکداران مرکزی کشورهای عضو اتحادیه اروپا را به تکاپو انداخته و آنها را وادار ساخته است تا کمربندها را محکم‌تر ببندند و در اقدامی هماهنگ و همه‌جانبه، به مدیریت ذخایر سرمایه‌ای خود بپردازند. براین اساس، هر کشوری که بخواهد از محل کمک ۷۵۰ میلیارد یورویی اقدام به اعطای وام‌های اضطراری نماید، می‌بایستی دستورالعمل‌های صندوق بین‌المللی پول در زمینه تحکیم انضباط پولی و مالی را به مرحله اجرا درآورد، آن چنان که در مورد یونان این خواسته تحقق یافت.

با این همه، باید دانست که چنین اقداماتی به تنهایی کافی نیستند و دولت‌های اروپایی می‌بایستی به دنبال راه‌هایی برای تحمیل رفتارهای مالی درست در بین نهادهای مالی ملی خود باشند. معماران پول واحد اروپایی از همان آغاز در پی ثبات و رشد پایدار در عرصه‌های مالی، بانکی و سرمایه‌ای بودند، اهدافی که هیچ‌گاه به طور کامل تحقق نیافتند و متخلفان از این اهداف نیز هرگز مورد مؤاخذه و تحریم قرار نگرفتند، به طوری که اعضای که همیشه دچار کسری بودجه و بودجه‌های نامتوازن بودند، نه تنها مجازات و جریمه نشدند، بلکه در مواقع اضطراری به لطف کمک مالی سایر اعضا از چاله درآمدند و پس از مدتی، اشتباهات قبلی را تکرار کردند. کشورهای بزرگ و قوی‌تر عضو اتحادیه نیز از مشکلات سنتی و عیدیه‌ای، به ویژه در حوزه شفاف‌سازی مالیاتی و بازارهای اوراق قرضه، رنج می‌برند که در برخی موارد، بحران‌ساز می‌شوند و کل اتحادیه اروپا را با چالش‌های جدی روبرو می‌سازند.

دشوارترین و پیچیده‌ترین بخش قضیه بحران یورو، نه در مسایل اقتصادی و پولی، بلکه در سیاست نهفته است.